

قسمت دوم تاریخ فلات ایران قبل از آریایی ها

برای دیدن قسمت اول در وب سایت حرکتیسم اول اینجا را لمس کنید

در متن قبلی به این اشاره کردم که وقتی که آریایی ها یا آریان ها به فلات ایران وارد شدند مجبور بودند با یکسری از اقوام مقابله کنند یکی از این اقوام عیلامی ها بودند که به پیشینه ی این قوم پرداختیم و به آنجا رسیدیم که عیلامی ها در مقابل بابل قرار گرفتند و به سلسله سوم یعنی کاسی ها رسیدیم.



کاسی ها مردمی بودند در نزدیک کوه زاگرس سکونت داشتند و گفته می شود این قوم در (قرن ۱۱۸۵ - ۱۷۶۰ قبل از میلاد) در بابل حکومت کردند و تمام اجناس مهم بابل مثل مجسمه ی ربع النوع بزرگ بابل یعنی مردوک را به شوش بردند و در آنجا سی سال نگه داشتند. اما بعد عیلامی ها این سلسله را هم نیز از پای در آورد و کاسی ها هم منقرض شدند. سلسله ی چهارم پاشی ها بودند که پاش یکی از محلات بابل بود. این قوم مجسمه ی مردوک را به بابل بازگرداندند یکی از پادشاهان مهم این حکومت بخت النصر بود که این حکومت را تا دریای مدیترانه گسترش داد. سلسله ی پنجم ۲۱ سال حکومت کرد. و سلسله ی ششم سلسله ی بازی ها بود که باز یکی از پادشاهان عیلام که بین این حکومت و

حکومت کلدانی برای پادشاهی جنگ می شه که در ۷۴۷ ق.م پادشاه آسور بابل را تصرف می کند. آسوری ها در بابل زندگی می کردند که به اونها عاشوری هم گفته می شد. این حکومت دو رکن اصلی داشت و جنگ و دوم بنای شهر جدید.

عیلام تا سال ۷۰۵ ق.م با آسور همسایه نبود چون در بین تین دو حکومت مردمان کوهستانی حضور داشتند در زمان تیکلات بلیسر چهارم آسوری ها با مردمان کوهستان جنگیدند و اونها رو مطیع خودشون کردند. دولت عیلام با بابل متحد شد اما سارگن به محض شنیدن این خبر قبل از رسیدن سپاه بابل به عیلام حمله کرد. اما با اونکه قدرت آسور بسیار از عیلام بیشتر بود ولی کار از پیش نبردند و عقب نشینی کردند. اسم این جنگ بخاطر مکانش دوریلو هستش.

بعد از سارگن دوم سیناخریب بر تخت پادشاهی نشست در این بین پادشاه عیلام یعنی اون کالدوش را محاصره کردند و کشتند.

اون از این موقعیت استفاده کرد و به عیلام حمله کرد و جنگی خونی در گرفت اما در انتها در سال ۷۰۶ ق.م غیر از آسور در آسیای غربی دولتی نماند که تحت سلطه ی آسور نباشد در سال ۶۹۹ ق.م حواس خودش رو به شورش های مصر داد و عیلام از این موقعیت برای حمله به بابل استفاده کرد و اوت اوممان* به تخت نشست و شصت نفر از شاهزادگان ماد را فراری داد چون دستور کشتنشان را داد و این شاهزادگان به آسور رفتند و از اینجا به بعد جنگ های داخلی در دولت عیلام شکل گرفت و بین آسور و عیلام جنگی شد آسور قشون عیلام را کنار روده کارون شکست داد. پادشاه عیلام خودش شخصا در این جنگ می جنگید و در این جنگ زخم برداشت و آسوریان سرش را بردند و به نینوا بردند. توللیز نام این جنگ در ۶۵۹ قبل از میلاد

پادشاه عیلام دست نشانده ای از آسور شد و بعد آسور از پادشاه عیلام در خواست می کند که بت نه نه را به آن ها بدهد اما پادشاه وقت قبول نکرد و آسور به عیلام حمله کرد. و همه را قتل عام کرد یکی از پیغمبران بنی اسرائیل در این باره می فرماید: ((این است عیلام همه جمعیت آن در اطراف، قبر و همه کشته شده اند)) و اینگونه بود که عیلام به پایان رسید.

